

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه مترجم
۴	دبیاجه
۷	فصل اول: مقدمه
۷	۱. قلمرو
۸	۲. دوره‌ها
۹	۳. سؤالات
۱۱	۴. منابع
۱۲	فصل دوم: هومر
۱۲	۱. اهمیت هومر
۱۳	۲. شخص آرمانی و زندگی آرمانی
۱۵	۳. خود و دیگران
۱۷	۴. اولویت‌ها
۱۸	۵. مشکلاتی در اخلاق هومری
۲۱	۶. خدایان و جهان
۲۲	۷. خدایان و آرمان‌های اخلاقی
۲۳	۸. زئوس و نظم جهان
۲۵	۹. مشکلات اصلی در هومر
۲۸	فصل سوم: نهضت طبیعت گرا
۲۸	۱. چشم‌انداز طبیعت گرا
۲۹	۲. طبیعت به مثابه ماده
۳۰	۳. تلقی‌ها از طبیعت
۳۲	۴. تغییر و ثبات
۳۵	۵. طبیعت و تاریخ
۳۶	۶. طبیعت و طب
۳۸	۷. مسائل روش

صفحه	عنوان
۴۱	۸. قوانین عام
۴۳	۹. عقل و استدلال
۴۴	۱۰. اخلاق
۴۸	۱۱. خدایان
۵۳	فصل چهارم: تردیدهایی در طبیعت‌گرایی
۵۳	۱. گرایش‌ها
۵۴	۲. تراژدی و طبیعت‌گرایی
۵۷	۳. ورای طبیعت‌گرایی
۵۸	۴. نمود و طبیعت
۶۱	۵. طبیعت و هدف
۶۳	۶. طبیعت و عدالت کیهانی
۶۴	۷. طبیعت‌گرایی و طبیعت بشر
۶۷	۸. سؤالاتی درباره تاریخ طبیعت‌گرایانه
۶۸	۹. برخی آثار طبیعت‌گرایی
۶۹	۱۰. شک بنیادی
۷۱	۱۱. عُرف، حقیقت، و واقعیت
۷۲	۱۲. شکاکیت، عرف‌گرایی، و اخلاقیات
۷۴	۱۳. کشمکش‌های سیاسی
۷۵	۱۴. رشد بحث سیاسی
۷۶	۱۵. نتایج عملی
۷۸	۱۶. پرسش‌های پاسخ‌نیافته
۸۱	فصل پنجم: سقراط
۸۱	۱. محاکمه سقراط
۸۳	۲. دفاع سقراط
۸۵	۳. فرض‌های سقراطی
۸۸	۴. استدلال‌های سقراطی
۸۹	۵. اخلاقیات و دین
۹۳	۶. وحدت اخلاقیات
۹۴	۷. مسئله عدالت
۹۶	۸. بدفهمی‌های معقول از سقراط

صفحه	عنوان
	فصل ششم: افلاطون
۹۹	۱. سقراط و افلاطون
۹۹	۲. نظریه استدلال سقراطی
۱۰۰	۳. پژوهش و یادآوری
۱۰۲	۴. معرفت و عقیده
۱۰۳	۵. نظریه تعریف سقراطی
۱۰۴	۶. حواس
۱۰۶	۷. سؤالاتی درباره صورت‌ها
۱۰۸	۸. نظریه سقراطی معرفت
۱۱۰	۹. پاسخ افلاطون به شکاکیت
۱۱۳	۱۰. نفس و بدن
۱۱۴	۱۱. نفس و خود
۱۱۵	۱۲. مسئله عدالت
۱۱۷	۱۳. عقل و میل
۱۱۸	۱۴. دفاع از عدالت
۱۱۹	۱۵. فضیلت و فلسفه
۱۲۰	۱۶. معرفت، اخلاقیات، سیاست
۱۲۳	۱۷. معرفت و آزادی
۱۲۵	۱۸. کیهان
۱۲۸	۱۹. بدفهمی‌ها از افلاطون
۱۳۰	۲۰. اهمیت افلاطون
۱۳۳	
	فصل هفتم: ارسطو
۱۳۵	۱. ارسطو و اسلاف او
۱۳۵	۲. مشاهده و تجربه
۱۳۶	۳. استدلال فلسفی
۱۳۸	۴. طبیعت و تغییر
۱۳۹	۵. صورت و ماده
۱۴۳	۶. علت‌ها
۱۴۴	۷. طبیعت و صورت
۱۴۶	۸. نفس و بدن
۱۴۸	۹. دوگانه‌نگاری و ماده‌گرایی
۱۵۰	۱۰. خیر بشر
۱۵۱	

صفحه	عنوان
۱۵۴	۱۱. سعادت و فضیلت
۱۵۶	۱۲. فضیلت و خیر دیگران
۱۵۷	۱۳. اخلاق و جامعه
۱۵۹	۱۴. اخلاق و خود کفایی
۱۶۱	۱۵. اهمیت ارسطو
۱۶۴	فصل هشتم: مکتب اپیکوری
۱۶۴	۱. جهان یونانی مآبی
۱۶۶	۲. اپیکوروس: اهداف عام
۱۶۸	۳. منازعه شگاکیت
۱۷۰	۴. توسل به حواس
۱۷۱	۵. حس و علم
۱۷۳	۶. اتم گرایی و نفس
۱۷۵	۷. خدایان
۱۷۶	۸. ضرورت و آزادی
۱۷۹	۹. لذت، سعادت، فضیلت
۱۸۰	۱۰. سؤالاتی درباره اخلاق اپیکوری
۱۸۳	۱۱. سازگاری نظام اپیکوری
۱۸۵	فصل نهم: مکتب رواقی
۱۸۵	۱. نظام رواقی
۱۸۶	۲. مسئله معیار
۱۸۸	۳. طبیعت، صورت، ماده
۱۹۰	۴. طبیعت و نظم جهان
۱۹۲	۵. تعیین گرایی و آزادی
۱۹۴	۶. طبیعت، سعادت، فضیلت
۱۹۷	۷. خود و جامعه
۲۰۰	۸. کناره گیری رواقی
۲۰۲	۹. خود و کیهان
۲۰۳	۱۰. نتیجه
۲۰۸	فصل دهم: افلوپین
۲۰۸	۱. احیای افلاطون گرایی
۲۰۹	۲. جهان افلوپین

صفحه	عنوان
۲۱۰	۳. صورت و ماده
۲۱۲	۴. نفس
۲۱۴	۵. عقل
۲۱۵	۶. احد
۲۱۷	۷. صدور از «احد»
۲۱۹	۸. ماده و شر
۲۲۰	۹. «نفس» و خود
۲۲۳	۱۰. اهمیت افلوپین
۲۲۶	فصل یازدهم: مسیحیت و اندیشه یونانی
۲۲۶	۱. مقدمه
۲۲۸	۲. مسیحیت اولیه
۲۲۹	۳. تعلیمات اخلاقی مسیحی
۲۳۱	۴. طبیعت بشر
۲۳۳	۵. کار مسیح
۲۳۶	۶. شخص مسیح
۲۳۷	۷. آموزه خدا
۲۴۰	۸. آوگوستین و محیط او
۲۴۱	۹. دوگانه‌انگاری مانوی
۲۴۲	۱۰. انتقادهایی از مانوی‌ها
۲۴۳	۱۱. تمایل به مکتب نوافلاطونی
۲۴۴	۱۲. مکتب نوافلاطونی و مسیحیت
۲۴۵	۱۳. دیدگاه نهایی آوگوستین
۲۴۸	یادداشت‌ها
۲۸۰	کتاب‌شناسی
۲۸۷	نمایه

مقدمه مترجم

فلسفه در سرآغازهایش، در سرزمین یونان، کوششی تدریجی است برای نشان دادن عقل بر اریکه قدرتی که خیال بر آن نشسته بود؛ و برای ارائه تبیینی منطقی و عقلانی از عالم و آدم به جای تبیین اساطیری سنتی که زاده تخیل شاعران بود. اخراج شاعران از شهر آرمانی از سوی افلاطون در واقع از آرمان حکومت مطلقه عقل و حکمت حکایت می‌کند.

ترنس اروین با اشرافی که بر نحوه پیدایش و رشد و کمال فلسفه از اندرون اساطیر دارد، گزارش خویش از تفکر در عهد باستان (یعنی یونان) را با معرفی آموزه‌های اساطیری هومر آغاز می‌کند و، به نحوی عالمانه و نوآورانه، خواننده را در هزار سال فلسفه یونان به گونه‌ای همراهی و رهبری می‌کند که با کسب تصویری روشن از این دوره، طلیعه‌های گذر از اندیشه یونانی به اندیشه مسیحی را نیز شاهد باشد.

بدین ترتیب، او پس از مقدمه‌ای کوتاه درباره دامنه و دوره‌ها و پرسش‌ها و پاسخ‌های فلسفه یونانی، جهان‌بینی اساطیری یونانیان را با محوریت هومر معرفی می‌کند. در معرفی نخستین فیلسوفان طبیعت‌گرا و واکنش‌های شکاکانه در برابر آن‌ها در تعلیمات دموکریتوس و در نهضت سوفسطایی (در فصل‌های ۳ و ۴)، اروین در واقع از سویی کمتر از تاریخ فلسفه‌های متعارف و از سوی دیگر بیشتر از آن‌ها سخن می‌گوید: به جای پرداختن به همه مکتب‌ها و چهره‌ها یکی از آن‌ها را محور قرار می‌دهد و بقیه را در ارتباط با آن به اختصار و اشاره مطرح می‌کند؛ در عوض، توجه خواننده را به دیگر جریان‌های مرتبط با فلسفه (مثلاً طب و تاریخ در فصل ۳ و تراژدی در فصل ۴) نیز جلب می‌کند.

او سه چهره شاخص فلسفه یونان، سقراط و افلاطون و ارسطو، را (در فصل‌های ۵، ۶ و ۷) در حجم معقول و با جامعیت معقول، به گونه‌ای معرفی می‌کند که هم بتوان دید که آن‌ها چگونه آموزه‌های متنوع پیش از خودشان را در نظام خویش با روح واحدی با یکدیگر سازگار می‌کنند و هم بتوان تفسیرها و بدفهمی‌های مرتبط با آموزه‌های آن‌ها را درک و ارزیابی کرد.

اروین فاصله طولانی میان ارسطو و افلوپین را فقط با معرفی دو مکتب اپیکوری و

رواقی (فصل‌های ۸ و ۹) پُر می‌کند. این دو مکتب صبغهٔ تسلّی بخش و حیات‌محوری آموزه‌های فلسفی دورهٔ یونانی‌مآبی را به‌روشنی نشان می‌دهند.

افلوپین، به عنوان چهرهٔ شاخص فلسفه در دورهٔ امپراتوری روم، مخصوصاً به سبب پیوند نزدیک پیروانش با آبابی مسیحیت، عملاً به عنوان مهم‌ترین حلقهٔ اتصال فلسفهٔ یونانی با فلسفه و الهیات مسیحی ایفای نقش می‌کند. اروین با گزارش آموزه‌های نوافلاطونی افلوپین (در فصل ۱۰) و با اختصاص فصل آخر کتابش به معرفی اجمالی مسیح و آموزه‌هایش و به گزارش آرای قدیس آوگوستین، این پیوند را بر خواننده روشن می‌سازد.

با توجه به آنچه تا اینجا گفتیم بر دو مطلب در خصوص این اثر اروین می‌توان تأکید

کرد.

اولاً، با وجود اینکه تاریخ فلسفه‌های زیادی تاکنون به زبان فارسی ترجمه یا تألیف شده‌اند، کتاب اروین در نوع خودش منحصربه‌فرد است و کتاب دیگری جای آن را پُر نمی‌کند. او در عین حال که هیچ اطلاعات قبلی را در خواننده‌اش پیش‌فرض نمی‌گیرد و بنابراین اثرش برای هر خواننده‌ای قابل فهم است، مطالبی را به شیوه‌ای انتخاب و مطرح می‌کند که برای آشنایان و حتی برای استادان تاریخ فلسفهٔ یونان نیز تازگی دارد. در کار او داده‌های هر فصلی در فصول بعدی به کار گرفته می‌شوند، تحولاتشان پیگیری می‌شوند، و بدین ترتیب تصویر از آغاز تا آنجای تاریخ برای خواننده روشن‌تر و غنی‌تر می‌گردد. او مزیت گزارش «موضوع‌محور» و گزارش «فیلسوف‌محور» را با هم جمع می‌کند و با اشاره‌هایی به پیوندهای فلسفه با اساطیر و طب و تاریخ و دین، چیزی را به دست می‌دهد که نه فقط «تاریخ فلسفه» به معنای تخصصی کلمه، بلکه به حق باید «تاریخ تفکر» در عهد باستان نامید.

ثانیاً، این اثر به این صورت همهٔ نیازهای یک دانشجوی سال اول فلسفه را به گونه‌ای برطرف نمی‌کند که بتوان آن را تنها کتاب درسی برای مثلاً «تاریخ فلسفهٔ یونان و روم» معرفی کرد. یک راه برای رفع این نقیصه این است که برای برخی فصل‌ها (مثلاً فصل ۳، «نهضت طبیعت‌گرا») پیشگفتاری از سوی مترجم افزوده شود و معرفی معتدل و شاکله‌واری (مثلاً از همهٔ مکتب‌های پیش‌سقراطی و چهره‌های برجستهٔ آن‌ها) در ابتدای فصل صورت بگیرد؛ و در برخی جاها (مثلاً میان مکتب رواقی و افلوپین، یعنی فصل‌های ۹ و ۱۰) فصل‌هایی (مثلاً ذیل عنوان «سایر مکتب‌های دورهٔ یونانی‌مآبی» و «مکتب‌های نیمهٔ نخست دورهٔ امپراتوری روم») افزوده و مکتب‌های متعلق به هر دوره‌ای در آنجا معرفی شود. این کار را در چاپ‌های بعدی می‌توان انجام داد. و البته راه دیگر این است کتاب گزارشی‌تر دیگری نیز در کنار این اثر

اروین برای دانشجو معرفی شود؛ مثلاً کتاب *کلیات تاریخ فلسفه یونان*، نوشته ادوارد تسلر که به تعبیر خود نویسنده در دیباچه ویراست نخست «تصویری از محتویات نظام‌های فلسفی مختلف و جریان رشد تاریخی آن‌ها را ترسیم می‌کند که همه ویژگی‌های اساسی را در بر بگیرد»؛ یا مجلد نخست از کتاب *تاریخ جامع فلسفه* نوشته پیترو آدامسون که انتشارات سازمان «سمت» در دست ترجمه و نشر دارد.

در ترجمه این اثر سعی شده است که اعتدلال میان دقت و سلاست، در حدّ توان مترجم، رعایت شود. برخی واژه‌های فلسفی و یا غیر فلسفی گاهی اقتضای معادل‌های متنوعی در زبان فلسفی فارسی دارند. مثلاً «هیستوریا» گاهی به نظر می‌آید که بهتر است خودش بیاید، گاهی معنای لغوی آن یعنی «پژوهش» مناسب‌تر می‌نماید و گاهی معنای اصطلاحی آن یعنی «تاریخ»؛ و همین‌طور برای «پنثوما» گاهی «روح» مناسب‌تر به نظر می‌آید، گاهی «نفس» و گاهی اصل یونانی کلمه.

و بالاخره، مترجم وظیفه خویش می‌داند که از همه همکاران عزیز خویش در انتشارات سازمان «سمت»، که در انتخاب و پیشنهاد و پذیرش و ویرایش و تدوین و سایر مراحل نشر این اثر قبول زحمت کرده‌اند، تشکر کند و بهروزی و پیروزی آن‌ها را از خداوند منان خواستار باشد.

دیباچه

این کتاب را به قصد مطالعه خوانندگان نوشته‌ام که آشنایی قبلی‌شان با فیلسوفان یونان و جهان رومی، یا با پیشینه ادبی و تاریخی آن‌ها، ناچیز است یا هیچ معلومات قبلی در این خصوص ندارند. طبیعتاً، امیدوارم که برای دانشجویان و آموزگاران دوره‌های مربوط به فلسفه یونانی [نیز] سودمند باشد؛ این خوانندگان مندرجات این کتاب را هم کمتر و هم بیشتر از آن خواهند یافت که احتمالاً انتظارش را داشته‌اند. فصل‌های ۲ تا ۴ به هیچ وجه همه «پیش‌سقراطی‌ها» را، آن گونه که معمولاً در نظر گرفته می‌شوند، پوشش نمی‌دهد؛ از سوی دیگر، برخی نویسندگان و پرسش‌ها در این سه فصل آمده‌اند که بیشتر از آن چیزی شایسته مطالعه هستند که (تا آنجا که من خیر دارم) معمولاً در نخستین آشنایی دانشجویان با فلسفه یونانی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در فصل‌های ۵ تا ۷ فضای معتناهی را به افلاطون و ارسطو اختصاص داده‌ام؛ اما کوشیده‌ام مانع از آن شوم که این دو بر صحنه مسلط شوند، و در فصل‌های ۸ تا ۱۰ کوشیده‌ام تا تصویری از تنوع و در عین حال استمرار فلسفه پس از ارسطو به دست دهم.

برخی فقره‌ها از نویسندگان دوره باستان را در قالب ترجمه در متن کتاب نقل کرده‌ام. جا دارد به خواننده هم تذکر دهم که یک نشانه حذف ممکن است گاهی ناظر بر شکاف بزرگی در متن اصلی باشد. من در [این نقل قول‌ها] نشانه «...» را برای گنجانیدن واژه‌هایی به کار برده‌ام که در متن اصلی به صراحت نیامده‌اند، اما آشکارا مدنظر هستند. همچنین نشانه [...] را برای گنجانیدن مطالب تفسیری‌ای به کار برده‌ام که نمی‌خواهم بخشی از ترجمه شمرده شوند.^۱ نشانه قلاب [] گاهی درباره اسامی نویسندگان در یادداشت‌ها نیز آمده است که از مجعول یا مشکوک بودن اثرها حکایت می‌کند.

خلاصه تاریخی نظام‌مندی در این کتاب ارائه نمی‌کنم؛ اما سعی کرده‌ام تاریخ‌های

۱. در ترجمه فارسی نیز گهگاه مطالبی در داخل دو قلاب [...] بر متن انگلیسی افزوده می‌شود که اگر درون نقل قول‌های مستقیم باشند با نشانه «-م» مشخص می‌شوند تا از افزوده‌های نویسنده انگلیسی تمییز داده شوند. افزوده‌های ویراستار علمی کتاب نیز با نشانه «-و» مشخص می‌شود.

فیلسوفان بزرگ را با فاصله‌های معقولی در متن کتاب ذکر کنم؛ و این تاریخ‌ها، به همراه تاریخ‌های سایر نویسندگان ذکر شده، در نمایه آخر کتاب تکرار شده‌اند. روشن خواهد شد که تاریخ‌های اکثر فیلسوف‌ها یا غیر دقیق هستند یا غیر قابل اعتماد، یا هر دو. واژه «شکوفایی»^۱ ناظر بر شواهد خاصی است بر اینکه شخص مورد نظر در سال یا سال‌های ذکر شده فعال بوده است. معمولاً قید «پیش از میلاد» یا «میلادی» را در جاهایی که تصور کرده‌ام خطر التباس وجود دارد بر تاریخ‌ها اضافه کرده‌ام.

از آنجا که این کتاب تا حدودی نتیجه کوشش‌های خود من به هنگام تدریس در این حوزه است، از سؤال‌ها و نظرهای تحریک کننده و متفکرانه بسیاری از دانشجویان دوره لیسانس بهره گرفته‌ام، و از بحث‌های سودمند با جماعتی که در این تدریس‌ها شرکت کرده‌اند - جنیفر وایتینگ^۲، هنری نیوئل^۳، دیوید برینک^۴، و سوزان سووه^۵. پیش‌نویس‌های متوالی کتاب با کمک انتقادات و پیشنهادهای متعدد و مستمر گیل فاین^۶ بسیار اصلاح شدند. خوانندگان انتشارات نظرهای سودمندی درباره تقریرهای بعدی اظهار کردند. مایه خرسندی ویژه من است که این کتاب را به گرگوری ولاستوس تقدیم کنم.

تی. اچ. اروین

دانشگاه کورنل، ایتاکا، نیویورک، ژانویه ۱۹۸۸

1. «fl.» (=floruit، شکوفا بوده است)
2. Jenifer Whiting
3. Henry Newell
4. David Brink
5. Susan Sauve
6. Gail Fine